

# SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

کارگاه آنلاین  
بررسی مقابله ای متون (مقدماتی)

کارگاه آنلاین  
پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

کارگاه آنلاین  
آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو

ISI  
Scopus

کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو



## چالش‌ها در انسان‌شناسی اسلامی

حبیب‌الله نجفی ایواتلو

عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور [najafi\\_i@yahoo.com](mailto:najafi_i@yahoo.com)

**چکیده:** انسان‌شناسی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است و این سوال به ذهن انسان می‌رسد که در کشورهای توسعه‌یافته رشد و پیشرفت زیادی بوده اما در کشورهای اسلامی رشد محسوسی نمی‌بینیم با اینکه تعالیم اسلامی آخرین راه ارائه شده از جانب خالق هستی است در این پژوهش به سه عامل توجه می‌شود؛ تفسیر نادرست از برخی تعالیم الهی، عدم توجه به ساختار در جامعه و توجه به خواص.

**واژگان کلیدی:** انسان مدرن، انسان مطلوب، خواص

### مقدمه

مسئله انسان در بینش اسلامی، یکی از پرسش‌های عصر حاضر است که رویکردها و روش‌های گوناگونی را برانگیخته و همیشه مورد توجه متفکران بوده است. موضوع مورد بحث در این پژوهش، نگاهی است دوباره بر انسان و با این که اسلام آخرین ورژن ادیان الهی بوده ولی نه تنها نتوانسته مدینه فاضله ایجاد کند بلکه از ناهنجاری‌های زیادی رنج می‌برد. حیات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نهادینه شده ندارد. در این مسیر، مراجعه به متون اجتماعی دین اسلام علاوه بر تحکیم بنیادهای ذهنی و معنوی پژوهشگر، راه روشنی در دستیابی به عمق دیدگاه‌های این مکتب در رابطه با انسان، جامعه و تاریخ خواهد بود. زیرا جامعیت نگرش دینی که به منبع زلال وحی متصل است، به حوادث اجتماعی، که از طریق مطالعه و تحقیق در ادبیات تاریخی و اجتماعی دین به ذهنیت علمی جویندگان شریعت انتقال می‌یابد اطمینان و اعتبار می‌بخشد.

این یک حقیقت است که اندیشمندان در گستره دین هنوز نتوانسته‌اند دین را در متن جامعه نهادینه کنند. درست است که جامعه دینی داریم؛ ولی به این معنی نیست که جامعه دینی ساختاری دارد که افراد دیندار در این ساختار، به رشد و شکوفایی می‌رسند. می‌توانیم بگوئیم که افراد جامعه دیندار هستند و سعی می‌کنیم که رفتار اجتماعی ما دینی باشد ولی چون ساختاری نیست هنوز جامعه ما از بداخلاقی‌های اجتماع رنج می‌برد و هنوز با مدینه فاضله فاصله زیادی دارد. برخی از اندیشمندان با به نقد کشیدن داده‌های دینی آن را در زمان ما دور از دسترس می‌دانند با آن که خود دغدغه دینی دارند. آنچه به نظر می‌رسد این است که آیات و روایات منقح نشده‌اند. روایات اخلاقی، روایات فقهی، روایات سیاسی و دیگر روایات به صورت کاربردی و برای تطبیق با جامعه تحلیل نشده‌اند. آیات و روایات شأن نزول دارند باید دید این روایت را کجا باید بکار ببریم. و به همین خاطر این سوال همیشه مطرح می‌شود که چرا ما با ظاهر همین گزاره‌های دینی، راحت نمی‌توانیم برنامه توسعه و پیشرفت و دستورات عمل‌های راهبردی توسعه‌ای را برای نهادها به‌دست آوریم.

در این نوشتار سعی بر این است که به بررسی و تحلیل انسان از منظر اسلام بپردازیم و به تحلیل نقاط تاریک بهره‌برداری از آیات و روایات بپردازیم.

### انسان‌شناسی

یکی از مفاهیمی که پر رمز و راز و از اهمیت ویژه برخوردار است و هر آیینی تعریف خاصی برای خود دارد مفهوم انسان است. زندگی انسان، به تصویرهای مختلف از او بستگی تام دارد، برای مثال: اگر به این تصویر دست یابیم که انسان دارای هدف معقول و متناسبی نیست که در طول زندگی خود به سوی آن در حرکت باشد، یا اگر انسان را موجودی بدانیم که محکوم جبر است و خود نمی‌تواند سرنوشت خویش را رقم بزند، در این صورت زندگی انسان بی‌معنا و سراسر پوچ و بی‌پهلو خواهد بود؛ ولی اگر انسان را موجودی هدفدار و مختار تصویر کردیم که می‌تواند با تلاش به آن هدف برتر دست یابد، زندگی وی معقول و بامعنا می‌شود.

لازم به ذکر است که انسان از دیدگاه علم مدرن که پست مدرن نیز در همان مجموعه قرار دارد مورد توجه قرار می‌دهیم و در آخر انسان را از دیدگاه وحی الهی بررسی می‌کنیم و به نام انسان‌شناسی مطلوب نام می‌نهیم.



### انسان مدرن

انسان مدرن اعتماد و اتکا به عقل خود کرد و در مقام شناسا در صحنه زندگی حضور پیدا کرد. دست به شناخت طبیعت و خود زد و پیشرفت های زیادی در حوزه های مختلف علمی برایش حاصل شد. انسان مدرن آرمانی چون شهر مدرن را در سر داشت. گمان می کرد با پیشرفت بی کران و غلبه بر طبیعت و تاریخ هر گونه رنج و کمبود در زندگی انسان پایان می یابد. بدین ترتیب با سرعت تمام دست به شناسایی طبیعت و همه قلمروهای ممکن هستی زد.

در واقع، انسان مدرن، انسانی عقل گرا و خرد محور است، و جهان پیرامون را بر اساس اندیشه پیشینیان تفسیر نمی کند. با عقل گرایی دوران مدرن، انسان قدرتمند تر می شود و در مرکز جهان قرار می گیرد و همه چیز در راستای سعادت و آزادی آن معنا می یابد. در نگاه مدرن به طبیعت، خداوند گم است. نگاه مادی که جریان غالب در پیش فرض های علوم امروزی است طبیعت را نه ظهوری از حقیقت، که بنیاد هر شی می داند. کشف حقیقت موضوع و دغدغه ی علم جدید نیست، علم مدرن در پی جوهره ی اشیاء نیست، در پی صفات و عوارض آن هاست. این علم به چرایی عالم کاری ندارد، بلکه در پی چگونگی آن است و کشف چگونگی، وسیله ای است برای تسخیر طبیعت. البته تذکر این نکته هم مهم است که در اندیشه اسلامی هم به چرایی بیشتر توجه کردند تا به چگونگی و به همین خاطر از قافله عقب ماندند.

«نظریه تجدد خداوند را از صدرنشینی جامعه خلع می کند و علم را به جای آن می گمارد و باورهای دینی را با ارفاق به درون زندگی شخصی تبعید می کند. کاربردهای فنی عمل برای سخن گفتن از جامعه جدید کافی نیست. علاوه بر این لازم است که فعالیت فکری از سلطه تبلیغات سیاسی و باورهای دینی حفاظت شود. هویت غیر شخصی قانون از فساد پیشگیری کند. نظام اداری دولتی و خصوصی ابزار قدرت شخصی نشود، حیات فردی از حیات جمعی و ثروت خصوصی از بودجه دولت و بنگاه های اقتصادی تفکیک گردد.»<sup>۱</sup>

در این مجال بنای آن را نداریم که به نقاط ضعف انسان مدرن بپردازیم این یک واقعیت است که این انسان توانسته است طبیعت را به تسخیر بکشد و از لحاظ تولید ثروت حرفی برای گفتن داشته باشد هر چند نقاط ضعف در زاویه های دیگر باعث شده جهانی نا آرام داشته باشیم و این ثروت در جایی دیگر هزینه شود. این هم یک واقعیت است که در جامعه ساختاری را تعریف کرده اند که بسیاری از رذائل اخلاقی اجتماعی رخت بر بسته است.

این سوال به صورت جدی مطرح می شود که فرد، جامعه را می سازد یا جامعه، فرد را یا تأثیر متقابل بین این دو بر قرار است. به تعبیر دقیق تر، آیا شخصیت فردی است که حقیقتاً وجود دارد و جامعه صرفاً بر مجموعه ای از این شخصیت ها اعتبار می شود یا آنچه به خودی خود شخصیت و منش و حقیقت دارد، جامعه است و فرد فقط و فقط در پرتو جامعه به هویت واقعی و شخصیت حقیقی می رسد و به گونه ای که اگر او را جدا از جامعه در نظر بگیریم، جز اندام فیزیولوژیکی چیز دیگری نیست یا شق سومی در کار است؛ به گونه ای که هم فرد شخصیتی از خود دارد که جدا از جامعه، هیچ و پوچ نیست و هم جامعه شخصیتی دارد که تک تک افراد را تحت تأثیر خود قرار می دهد.

### اصالت فرد

دیدگاه اصالت فرد که به یک معنا در فلسفه دکارت ریشه دارد، قائل است که «فقط فردها هستند که می اندیشند و عمل می کنند و جامعه به خودی خود هیچ واقعیتی ندارد و چیزی جزء مجموعه افراد و اشکال ارتباطات و مناسبات میان افراد نیست. جامعه، حاصل جمع همه افراد آن است نه چیزی ورای آن و مقصود از تأثیر جامعه بر فرد، چیزی جز تأثیر دیگر افراد جامعه بر فرد خاص نیست. به تعبیر جان استوارت میل، «افراد انسانی هنگامی که گرد هم می آیند، به ماده تازه ای مبدل نمی شوند.»<sup>۲</sup> انسان ها در جامعه هیچ صفت و خاصیتی ندارند، جز آن هایی که از قوانین طبیعت فرد آدمی ناشی می شوند.<sup>۳</sup>

پیروان اصالت فرد، جامعه شناسی را نوع مخصوصی از روان شناسی می دانند که در آن به مطالعه نفسانیاتی که در نتیجه تلاقی بین وجدان های مختلف حاصل می شود، می پردازد؛<sup>۴</sup> برای مثال از نظر ماکس وبر، در جایگاه جامعه شناس پیرو اصالت فرد، «جامعه، واقعیت قائم به نفس نیست و پدیده های اجتماعی را صرفاً باید بر اساس رفتارهای معنادار افراد انسانی بازنگری کرد.»<sup>۵</sup>

### اصالت جامعه

در نقطه مقابل اصالت فرد، پیروان اصالت جامعه با تاکید بر خصیصه جمعی پدیده های اجتماعی، جامعه را واقعیتی عینی تلقی می کنند که متمایز از افرادی است که آن را تشکیل داده اند و آثار و خواص ویژه ای دارد که در افراد انسانی دیده نمی شود. آن ها براین باورند که فقط جامعه واقعیتی اصیل دارد و فرد، جز واقعیتی تبعی ندارد. همان گونه که شخص انسانی، کل مرکب و دارای زندگی واحدی است که مجموعه ای از اعضای منفصل بدن، آن حیات را ندارد، اجتماع انسانی نیز که مرکب از افراد است، حیاتی خاص خود دارد که مجموعه ای از آحاد انسانی پراکنده، فاقد آن است.



هگل معتقد است که فقط یک مقوله واحد و یک واقعیت وجود دارد و آن، روابط است؛ بنابراین، جوهرها، مانند افراد انسان، به وسیله روابطشان تعیین می‌یابند. آن‌ها فقط به اعتبار این روابط است که آنچه هستند، هستند. حال اگر چنین باشد، جامعه می‌تواند و باید به عنوان کل حقیقی تلقی شود. فرد انسانی که تعیین خود را به وسیله روابط اجتماعی می‌یابد، در این جا به صورت امری فرعی نمایان می‌شود؛ چیزی که کمتر از جامعه واقعی است».<sup>۶</sup>

از نظر طرفداران اصالت جامعه، «انسان پیش از ورودش به اجتماع، وجود بالقوه محض است و تنها در اجتماع است که شخصیت و هویت خود را می‌یابد».<sup>۷</sup>

هر فرد انسانی، در مرحله‌ای از تاریخ در جامعه‌ای متولد شده و از همان نخستین روز زندگی، با آن جامعه شکل می‌گیرد. محیط اجتماعی در تعیین طرز فکر او تأثیری تام دارد. او هیچ رفتار صرفاً فردی ندارد. جامعه‌گرایان بر این باورند که تمام افکار و احساسات و تصمیم‌های آدمی تحت تأثیر اوضاع و احوال اجتماعی رخ می‌دهد و اراده فرد توان ایستادگی در مقابل جامعه را ندارد؛ بلکه همواره تابعی از آن است. اگوست کنت با توسل به همین استدلال، روان‌شناسی را علمی بی‌موضوع معرفی کرد.<sup>۸</sup> و به تعبیر امیل دور کیم، «همان‌طور که سلول زنده از یک مجموعه مولکول مرده تشکیل شده اما با همین ترکیب شدگی، نمود تازه‌ای پدید آمده که مشخص‌کننده حیات است و این حیات را نمی‌توان در هیچ یک از عناصر مجزا یافت. جامعه نیز حاصل جمع ساده‌ای از افراد نیست؛ بلکه دستگاهی است متشکل از ترکیب آن‌ها با هم که معرف واقعیتی ویژه و دارای خواص مخصوص به خود است».<sup>۹</sup>

### انسان مطلوب

یکی از مسائلی که اندیشمندان مسلمان را به اندیشیدن واداشته این است که چرا با این که اسلام دین کامل است و باید مدینه فاضله طراحی کند و کشورهای اسلامی در وضعیتی به سر برند که کشورهای غیر مسلمان آرزوی داشتن چنین کشوری را داشته باشند حال قضیه بر عکس شده و اندیشه غربی کشورهای ثروتمند را ارائه کرده و کشورهای اسلامی آرزوی رسیدن به رشد آن‌ها را دارند. این اندیشمندان برای پاسخ به این پرسش نظریات متفاوتی را بیان کردند که به نظر می‌رسد این جواب‌ها قانع‌کننده نبوده و هر چند تأثیر داشته ولی آن چنان تأثیر گزار نبوده که ما آن را به عنوان عامل اصلی مطرح کنیم. فیلسوفان مسلمان قدم‌های خوبی برداشته‌اند اما کافی نبوده است. برخی از اندیشمندانی که تحت تأثیر تاریخ علم مدرن قرار گرفته‌اند بر این باورند که همان‌طوری که برای مدرن شدن، غرب اندیشه پیشینان و کلیسا را کنار گذاشت ما نیز ناگزیریم اسلام را کنار بگذاریم. اسلام با دموکراسی، حقوق بشر و سایر مفاهیم و مقولات مدرن ناسازگار است و اصولاً تعهد دینی مانع تفکر و تحقیق آزاد عقلانی و لذا مانع رشد علمی است.

در نقد این نظریه می‌توان گفت که این نظریه مبتنی بر دو پیش‌فرض نادرست زیر است:

### ۱. خلط بین دین و تاریخ دین یا ذاتیات و عرضیات

یکی از مهم‌ترین کارهایی که در همه‌ی شاخه‌های معرفت بشری صورت می‌گیرد، تفکیک «ذاتیات» از «عرضیات» است و اصولاً تحلیل و تبیین فلسفی یک پدیده چیزی نیست مگر تفکیک ذاتیات آن پدیده از عرضیات آن. اگر افراد ذی صلاح به این تفکیک نپردازند انحطاط پیدا شده و رشد علمی و اخلاقی صورت نمی‌گیرد.

### ۲. خلط بین دین و معرفت دینی

برداشت جزم‌اندیشانه و ایستا از دین و تلاش برای انطباق معیار و ارزش متحول جامعه با سنت‌های گذشته و عدم حرکت با زمان و پیشرفتهای آن؛ این عامل، عقب‌ماندگی را به صورت پدیده‌های همیشگی در جهان اسلام درآورده است.<sup>۱۰</sup>

یکی از علل عقب‌ماندگی مسلمانان، فاصله گرفتن آنان از اسلام ناب و برداشت‌های نادرست از مفاهیم دینی بوده است. برداشت غلط از قضا و قدر الهی، انسان‌شناسی اسلام، جهان در نگاه دین، انگاره قدرت در اسلام، زهد، دعا و ... موجب کزروی و عقب‌ماندگی شده؛ در حالی که همین مفاهیم در صدر اسلام و حتی در غرب، موجب پیشرفت گشته است. رواج اندیشه‌های صوفی‌گرانه به جای زهد مثبت و برخی انحرافات فکری دیگر، نقش مؤثری در دور ماندن مسلمانان از قافله صنعت و پیشرفت داشته است.<sup>۱۱</sup> از سوی دیگر همین اصل توحید را می‌توان به گونه‌ای تفسیر کرد که پذیرش آن آدمیان را به خاک سیاه بنشانند و از آنان موجوداتی بسازد که بدبخت‌تر و مفلوک‌تر و عاجزتر و توسری خورتر و نگون‌بخت‌تر از آنها را نتوان در عالم هستی سراغ گرفت. اصل توحید را می‌توان به این صورت تفسیر کرد که اراده خداوند مطلق است و تابع هیچ معیار و ملاک اخلاقی و عقلانی‌ای نیست و آدمیان در برابر اراده خداوند دست بسته و مجبورند و قضا و قدر الهی بر این قرار گرفته که یکی شاه و دیگری گدا باشد، و یکی دارای اختیار بی‌مسئولیت و دیگران دارای مسئولیت بی‌اختیار باشند، و محرومان و مظلومان اگر علیه ظلم و بیداد ظالمان قیام کنند، در حقیقت با حکم و مشیت خداوند مخالفت کرده‌اند و به جنگ خدا رفته‌اند، و تسلیم شدن به وضع نابسامان و نکبت‌بار موجود عین راضی بودن به قضا و قدر الهی است، و بلکه اصولاً تبعیضی که خدا بین بندگان خود می‌گذارد عین عدل است، زیرا این حق خداوند است و عالم هستی ملک اوست و او حق

دارد هر طور که بخواهد در ملک خود تصرف کند و هیچکس هم حق سؤال و بازخواست از او را ندارد. بر اساس چنین تفسیری از وحدانیت خداوند، قول به وجود قوانین و معیارهای اخلاقی مستقل از اراده و حکم خداوند عین شرک است و اعتراض به این وضع خروج از دین است. تفسیر متون دین باید از جانب معصوم باشد و تفسیر غلط زمینه ساز تولد گروه تکفیری شده است که مسلمان بی گناه را به خاک و خون می کشد. اسلام رحمانی زیر سوال می رود و پیامبر که رحمه للعالمین است به دید دیگری برای جهانیان معرفی می گردد. همان طور که می دانیم بعد از جهاد اصغر پیامبر اسلام به رزمندگان و صحابه فرمودند که به جهاد اکبر بپردازند. برای موفقیت در جهاد اکبر اگر به امکانات زمان پیامبر اسلام بسنده کنیم به طور حتم شکست خواهیم خورد باید امکانات ما متناسب زمان ما باشد باید ابزار ما بتواند تاکتیک ها و ترفند های دشمن را مهار کند. در جهاد اکبر امکانات ما مناسب زمان ما نیست ابزارهای علمی ما در مقایسه با ابزارهای دشمن ابتدائی هستند ما برای مقابله با دشمن را نداریم.

نفس که قرآن و روایات بسیاری درباره اش سخن گفته اند از انسجام برخوردار نیست نظامند نیست و سیستمی طراحی نکرده اند انسان ها به فراخور موقعیت شان خود را تطبیق دهند و دنبال چاره باشند. خودخواهی، خودپرستی، خشم، شهوت، غضب، حرص، طمع و ... بیماری های نفس هستند و انسان را از پای درمی آورد که باید به موقع درمان کرد. خیلی از این بیماری ها را جامعه منتقل می کند. آیا این بیماری ها در جامعه بررسی شده اند. دنبال درمانش بوده اند. آیا قرآن به عنوان میانی، قرار گرفته و روایات اهل بیت به فراخور جامعه ترسیم شده است؟ ما تا زمانی که به صورت قاعده مند و سیستم وار انسان متعالی را در جامعه ترسیم نکردیم فرد با یک شب قدر تغییر آنچنانی نخواهد کرد. با احساس، سعی در تغییر فرد داریم نمی گویم تأثیر گزار نیست ولی ثبات آنچنانی ندارد. تغییر فرد در جامعه تأثیر زیادی ندارد اما طراحی جامعه ای که قرآن ترسیم کرده است تغییرات فرد نیز تأثیر گزار خواهد بود. انقلاب های علمی در یک فضای بی اقتضا رخ نخواهد داد و مجموعه ای از علل تاریخی و اجتماعی دست دوستی به یکدیگر می دهند تا فضا را برای این تحول مهیا سازند. به تعبیری علم جدید جدا از سیر تاریخی و بسترهای اجتماعی عصر جدید نیست و نظام ارزشی و فرهنگی خاصی بر آن حاکم است و چیستی و کم و کیف این نظام ارزشی را باید در لایه های هستی شناسی و معرفت شناسی جستجو کرد.

در این بخش از پژوهش به انسان از این منظر توجه خواهیم کرد که آیا برای رسیدن به سعادت در دنیا و آخرت، اصل این است که فرد خود را بسازد و از گزندها در امان باشد یا در جامعه ناسالم خود سازی آنچنان که باید و شاید ره به جایی نمی برد و باید جامعه ای سالم داشت که به اوج قله رشد رسید و در حقیقت جامعه دارای اصالت است.

مدت مدیدی است که اندیشمندان مسلمان به واکاوی این نکته می پردازند که چرا ما برای تولید ثروت حرفی برای گفتن نداریم نقص در کجاست؟ چون در اندیشه مدرن به این پژوهش پرداخته شد که کدام یک از فرد یا جامعه اصیل است لازم است اشاره ای نیز به اندیشمندان اسلامی داشته باشیم.

### اصالت فرد

در تبیین این اندیشه می توان گفت که «دیدگاه اصالت فرد معتقد است فقط فردها هستند که می اندیشند و عمل می کنند و جامعه به خودی خود هیچ واقعیتی ندارد و چیزی جزء مجموعه افراد و اشکال ارتباطات و مناسبات میان افراد نیست. جامعه حاصل جمع همه افراد آن است نه چیزی واری آن و مقصود از تأثیر جامعه بر فرد، چیزی جز تأثیر دیگر افراد جامعه بر فرد خاص نیست. مقصود از حقوق و تکالیف فرد در برابر جامعه نیز چیزی جز حقوق و تکالیف فرد در برابر سایر افراد جامعه نیست»<sup>۱۲</sup>

یکی از اندیشمندان مسلمان که به اصالت فرد معتقد است می گوید: «برای ما شایسته نیست مانند برخی از اندیشمندان و فلاسفه اروپا فکر کنیم که جامعه دارای یک وجود مستقل و ریشه دار است و حدود و اعضای جدای از افراد دارد. این طرز تفکر هگل و گروهی از فلاسفه اروپا است که فکر کرده اند عمل اجتماعی مجزاً و مستقل از عمل فرد است. اینان می خواهند میان کار اجتماعی و فردی فرق گذاشته، بگویند ما یک موجود اصیل و ریشه داری به نام «جامعه» داریم که دارای اعضای است و در حقیقت، همه افراد در بطن جامعه و در کیان او فشرده اند؛ هر فرد در جامعه، سلولی را در این واحد اصیل تشکیل می دهد و برای خود، روزهایی از داخل جامعه به خارج جامعه باز می کند. ما نیازی به غرق شدن در این خیال پردازی ها نداریم. ما برای جامعه واری افراد مثل تقی و حسن و رضا هیچ مفهومی قائل نیستیم. ما هیچ اصالتی واری این افراد برای جامعه نمی شناسیم»<sup>۱۳</sup>

### اصالت جامعه

برخی اندیشمندان مسلمان معتقدند که «فرد جزو لاینفک جامعه است و هویت شخص در فرهنگ جامعه محو می شود. خودی فقط در جمع خودی های دیگر و اجتماع رشد می کند، نه دور از جمع خودی ها؛ زیرا افراد به تنهایی قادر نیستند حاجات خود را برآورده سازند. انسان به صورت جمعی شناخته می شود. در این نگرش، جامعه پدیده ای عینی تلقی می شود. هر فرد باید به جامعه ببیوندد تا هویت خود را در نظام اجتماعی محو





سازد و همه عظمت گذشته و آینده امت را در خود جمع کند. از این‌رو، رشد و تکامل فردی ممکن نیست، مگر از طریق فرهنگ اجتماعی که او بدان تعلق دارد.<sup>۱۴</sup> پیروان این قول بیشتر از غربی‌ها می‌باشند و تعداد علمای مسلمانی که به این اصل اعتقاد داشته باشند، بسیار اندک است.

### اصالت فرد و اجتماع

«نظر سوم این است که در عین اینکه جامعه واقعاً مرکب است، ولی این ترکیب با ترکیب‌های دیگر فرق می‌کند. این چنین نیست که شخصیت فرد به کلی نابود شده باشد، آن چنان که در مرکبات طبیعی، شخصیت عناصر اولیه دیگر هیچ نقشی ندارد، بلکه در عین اینکه جامعه یک شیء مرکب است، عناصر تشکیل دهنده جامعه از نوعی شخصیت و آزادی و استقلال بهره‌مندند که این می‌شود اصالت فرد در عین اصالت جامعه و اصالت جامعه در عین اصالت فرد؛ نه اینکه آیا فرد اصیل است و جامعه انتزاعی، یا جامعه اصیل است و فرد انتزاعی»<sup>۱۵</sup>!

این دیدگاه بر این باور است که هر دو دیدگاه پیشین به بهره‌هایی از حقیقت رسیده بودند؛ ولی هر دو از تفسیر برخی از مسائل انسانی ناتوان‌اند. این قول بر خلاف اصالت اجتماع قائل است؛ قدرت جامعه به حدی نیست که فردیت فرد را کاملاً منحل کند و فرد را همواره منفصل محض در مقابل جامعه قرار دهد؛ بلکه فرد دارای عقل و اراده است و به او این امکان را می‌دهد که در مقابل جریان جامعه مقاومت کند. همچنین در مقابل پیروان اصالت فرد معتقد است که جامعه صرفاً جمع جبری رفتارها و اراده‌های افراد نیست؛ بلکه جامعه نیز شخصیت واحدی دارد که دارای حیات و ممات است؛ چرا که سرنوشت انسان‌ها در جامعه با هم چنان گره می‌خورند که به روشنی می‌توان از سرنوشت مشترک و اراده جمعی سخن گفت.

۱۶

انسان دارای دو روح و اندیشه است: یکی روح فردی که مولود حرکت جوهری است؛ و دیگری اندیشه جمعی که از زندگی اجتماعی او برمی‌خیزد. در این صورت، بر انسان هم قوانین روان‌شناسی حاکم است و هم قوانین جامعه‌شناسی که قرآن مؤید هر دو قانون برای اوست؛<sup>۱۷</sup>

### مدینه فاضله

برای رسیدن به این مدینه، باید وحی الهی را با بهره‌گیری از عقل سلیم بنا کنیم. این بحث که باید به فرد توجه کنیم و آن را اصل قرار بدهیم امتحان خود را پس داده است. ما هر قدر توجه به فرد داشته باشیم بدون این که در بستر مناسب قرار بگیرد نتیجه نخواهد داد. اصول اولیه اسلام را وقتی مردم صدر اسلام پذیرفتند بلافاصله پیامبر اسلام حکومت اسلامی را تشکیل دادند و به نهادینه شدن اخلاق در جامعه اسلامی پرداختند.

اگر بخواهیم اخلاق متعالی در جامعه نهادینه شود باید حکومت اسلامی باشد و انسان‌های فاضل و اندیشمند در راس امور باشند که در این صورت است فضائل در جامعه نمود پیدا می‌کند. اگر جامعه مریض باشد، فضائل معنای خودشان را از دست می‌دهند به عنوان مثال زهد به ترک دنیا، ضعف و زبونی به قضا و قدر الهی و بانک‌های ربوی به توجیهات مشروع معنا می‌شوند. در جامعه رذائل اخلاقی را انجام می‌دهند و منتظر می‌شوند شب قدری بیاید و توبه کنند بعد از آن شب دوباره شروع کنند؛ آیا در چنین جامعه‌ای می‌شود پایبند اخلاق بود؟ جامعه اگر اسلامی شود اخلاق و فضائل اخلاقی را می‌توان در جامعه معنا کرد.

در واقع می‌توان گفت که تأثیر فرد و جامعه تأثیری متقابل است؛ زیرا افرادی که در جامعه به سر می‌برند دو دسته‌اند: خواص و عوام. گروه خواص، که بر جامعه تأثیرگذارند؛ اما عوام، که تابع جو حاکم بر جامعه‌اند، جامعه بر ایشان اثرگذار است.

### اندیشه خواص رمز توسعه

با سابقه‌ترین تعریفی که درباره خواص آمده و در ضمن آن عوام نیز تعریف شده، کلامی است که از زبان امام حسین علیه السلام نقل شده، آنجا که می‌فرماید: شما ای بزرگان که در علم و دانش پرآوازه، و در خیر و نیکی زیانزد هستید، و در نصیحت و پند دادن شهرت دارید، و به‌خاطر خدا در دل مردم عظمت و شکوه یافته‌اید، که انسان شریف برای شما هیبت قائل است، و ناتوان شما را گرامی و محترم می‌شمارد، و کسانی شما را مقدم بر خود می‌دارند، که شما هیچ برتری بر آنها ندارید، و هیچ مالی و طلبی از آنها ندارید. آن‌گاه که خواسته‌هایشان برآورده نمی‌شود، از شما شفاعت می‌جویند و شما با شکوه شاهان و عظمت بزرگان در میان آنان راه می‌روید.<sup>۱۸</sup>

از جملات فوق استفاده می‌شود که برجستگان، بزرگان و صاحبان موقعیتهای اجتماعی «عصابه» و «خواص» شمرده می‌شوند؛ مانند علما و دانش‌آموختگان، مسئولان و فرماندهان، تاجران که دست خیر دارند و دارای موقعیت اجتماعی می‌باشند، و خلاصه هر کسی که به نوعی جزء برجستگان و دانه‌درشتان جامعه به حساب می‌آید، از خواص شمرده می‌شوند، و آنهایی که به دنبال این خواص هستند و از پیروان آنها به حساب می‌آیند، عوام محسوب می‌گردند.

خواص جامعه، اهل اندیشه و معرفت هستند، رهبری جامعه برخوردارند و اگر تاریخ جامعه را از صدر اسلام تورقی بزنیم خواص است که طراح جامعه است و مسیر را نشان می‌دهد اگر در مسیر رشد و سعادت باشند، جامعه به آن مسیر سوق پیدا می‌کند، همان طور که وحی الهی بیان می‌کند؛<sup>۱۹</sup> و اگر در طریق خطا باشند جامعه را به سوی گمراهی و تاریکی می‌کشند؛<sup>۲۰</sup> این‌ها کسانی هستند که شخصیت شان شکل گرفته و



اثرگذاری جامعه بر این‌گونه افراد، امری صعب و دشوار یا غیرممکن است. خواص اگر مسیر را اشتباه رفتند باعث انحطاط می‌شود که باید اصلاح نمود همان طوری که در صدر اسلام خواص جامعه مسیر انحطاط را پیمودند و امام حسین (ع) این مسیر را اصلاح کرد. برای این که فرد بتواند رشد کند باید جامعه‌ای سالم در اختیارش گذاشت و ساختار جامعه مدینه فاضله توسط خواص می‌تواند به او کمک کند تا به سیر صعودی خود ادامه دهد. در جامعه یزیدی فرد هر قدر هم توانا باشد ره به جایی نمی‌برد و سقوط افراد در سیاهی و تاریکی‌ها بسیار خواهد بود. باید با آرمان حسینی به عنوان مبانی، خواص جامعه به ساختار جامعه بپردازند و در این رهگذر وحی الهی بسیاری از ناهمواری‌ها را هموار خواهد کرد. در این صورت است که آرامش به جامعه برمی‌گردد چون *الا بذکر الله تطمئن القلوب*. خواص جامعه باید نقش خود را به درستی ایفا کنند تا حوادث تلخ تاریخ دوباره تکرار نشوند.

### عوام تابع

عوام کسانی هستند که قدرت تجزیه و تحلیل مسائل را ندارند و حرکتشان بر اساس بصیرت نیست. اینان پیرو موج، و مرعوب جوتند. برای آنها در هر موضعی این مسئله است که «تا ببینیم جوّ و موج عمومی در کدام سو قرار دارد».<sup>۲۱</sup> تاریخ اسلام همچون آینه‌ای است که با بررسی وقایع و تحولات آن و عملکرد افراد می‌توان عبرت‌های فراوانی از آن گرفت؛ عبرت‌ها و درس‌هایی که می‌تواند یک ملت را از ذلت به عزت یا برعکس از عزت به ذلت برساند. تاریخ صدر اسلام هم شاهد خواص با بصیرتی بود که تا پای جان از دین اسلام و پیامبر و امامشان دفاع کردند؛ و هم شاهد خواص بی‌بصیرتی که به دلیل ناآگاهی و عدم شناخت دقیق جریان حق با تصمیمات غیرمنطقی و نسنجیده، نه تنها خودشان را گرفتار جریان باطل نمودند، بلکه بسیاری از عوام را نیز از مسیر حق منحرف ساختند. روح جامعه حاکم توانایی ایجاد سرنوشت برای افراد انسانی را دارد همان‌طور که یکی از اندیشمندان و مفسران وحی الهی بیان می‌کند که قرآن کریم برای امم و جوامع، سرنوشت مشترک، نامه عمل مشترک، فهم و شعور و طاعت و عصیان قابل است. در صورتی که جامعه وجود واقعی و حقیقی نداشته باشد، استعمال چنین تعابیری برای آن لغو و عبث خواهد بود. خداوند برای جامعه نوعی حیات قابل است و قول به این زندگی نه از باب تشبیه و تمثیل، بلکه واقعیتی است که ذات حق از آن پرده برداشته. رابطه حقیقی که بین فرد و اجتماع برقرار است، موجب می‌شود خواص و آثار فرد در اجتماع نیز به وجود آید و به همان نسبت که افراد جامعه را از نیرو و خواص و آثار وجودی خود بهره‌مند می‌سازند این حالات موجودیت اجتماعی نیز پیدا می‌کند.

بسیاری از آیات در باب اجتماع ناظر به همین نکته است. درباره اجل و مرگ جامعه می‌فرماید: برای هر ملتی، اجل و دوره‌ای است که نه لحظه‌ای به تأخیر افتد و نه لحظه‌ای پیشی گیرد.<sup>۲۲</sup> همان‌گونه که افراد جامعه دارای کتاب و نامه اعمال شخصی هستند، امت و جامعه نیز چنین است: هر امتی به سوی کتاب خود خوانده می‌شود.<sup>۲۳</sup> همان‌سان که افراد به سه دسته تقسیم شده و گروهی از آنها میانه‌رو هستند، جامعه نیز چنین است: دسته‌ای از آنها امتی میانه‌رو هستند.<sup>۲۴</sup>

جهاد اکبری که پیامبر اسلام می‌فرماید باید جهاد اصغری باشد که تعبیر به جهاد اکبر نماید یعنی در گرو جامعه‌ای که با جهاد اصغر با آن محافظت کردید در آن جامعه به تربیت نفس خود بپردازید و تربیت نفس یک بخش جامعه است ما باید مجهز به امکاناتی باشیم که بتوانیم با شیطان نفس بجنگیم این امکانات و تجهیزات ساختار جامعه است اگر ساختار جامعه را مدیریت کردیم نفس مان کمتر به مسیر باطل می‌رود ولی اگر مدیریت نشود یعنی فاصله طبقاتی، ربا، عدم شایسته‌سالاری، غیبت و اختلاس رواج داشته باشد آیا در چنین جامعه‌ای می‌توان به مبارزه پرداخت و پیروز شد؟ جهاد اکبر این است که ساختار مدینه فاضله طراحی و عملیاتی شود و در آن جامعه به نفس مطمئنه رسید.

برخی را در جامعه مشاهده می‌کنم که در محافل علمی جلسات مختلفی در موضوع اقتصاد مقاومتی برگزار می‌کنند فارغ از این که باید اقتصاد مقاومتی را در محدوده مسولیت خود اجرا کنند در آن صورت کار بزرگی انجام داده اند ولی بیشتر به تبیین می‌پردازند که ما مشکل تبیین نداریم ولی آن را در محدوده کوچک اجرا کنند آیا من در حیطه مسولیت خودم از تمام توانایی زیر مجموعه ام استفاده کرده‌ام؟ آیا نارسایی‌ها و عیوب مجموعه خود را یافته‌ام و راهکار برطرف کردن آن را پیدا کرده‌ام؟ چرا فقط همه کلان نگاه می‌کنیم و ضعف‌ها را نمی‌بینیم.

در جوامع غربی می‌بینیم که در فرد و اندیشه فردی محدوده برای دین مشخص نکردند و فرد می‌خواهد دین دار واقعی باشد هیچ محدودیتی ندارد اما دین حق ندارد وارد جامعه و مدینه شود و با این که هیچ محدودیتی نبوده ولی ما آثار دین داری را در افراد زیاد نمی‌بینیم و افراد اندکی به خود سازی خود پرداختند و افراد زیادی در این مبارزه کم آورده اند و اگر ساختار خوبی در رشد و فن آوری می‌بینیم یا برخی از فضائل را می‌بینیم اثرات جامعه و تأثیرات ساختاری است که جامعه روی آن‌ها گذاشته است.

### نتیجه گیری

به نظر می‌رسد راهبردی مشخص برای ساختن جامعه اسلامی که ثمرات اسلامی را داشته باشد طراحی نشده است. به حق امام صادق (ع) فرموده است که مطالب اصلی و قواعد ازسوی ما بیان می‌شود و راهبردها را باید خواص استخراج و استنباط کنند.<sup>۲۵</sup>



# کنگره بین‌المللی علوم اسلامی، علوم انسانی

آذرماه ۱۳۹۵ - تهران

آنچه به نظر می‌رسد این است که فرامین دین بهترین زندگی را می‌تواند به متدینین ارائه کند و دنیا و آخرتش را تضمین کند. لکن همان طوری که بیان شد دو خلا حس می‌شود که باید اندیشمندان به آن توجه کنند:

۱. تفسیر درست داده‌های دینی
  ۲. ایجاد ساختار درست
- اندیشمندان مسلمان، باید در اندیشه بنای مدینه فاضله باشند و تا جامعه‌ای با معیارهای اسلامی بنا نکنیم تلاش فرد ره به جایی نخواهد برد و در این صورت است که می‌توانیم افراد متخلق به اخلاق اسلامی را در جامعه نهادینه کنیم و رذائل اخلاقی را کمرنگ کنیم.

- 
۱. تورن، الن، نقد مدرنیته، ترجمه مرتضی مردیپا، تهران، گام نو، ص ۳۰.
  ۲. کار، ای.اچ، تاریخ چیست؟، حسن کامشاد، تهران، شرکت سهامی انتشار، بی‌تا، ص ۴۶.
  ۳. باتومور، تی.بی، جامعه‌شناسی، سیدحسن منصور و سیدحسن حسینی کلجاهی تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۷ش ص ۴۶.
  ۴. شاله، فیلیسین، شناخت روش علوم یا فلسفه علمی، یحیی مهدوی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۰ش، ص ۱۹۸.
  ۵. فروند، ژولین، جامعه‌شناسی ماکس وبر، عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، نیکان، ۱۳۶۲ش، ص ۱۲۱.
  ۶. بوخسکی، م، مقدمه‌ای بر فلسفه، محمد رضا باطنی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۱، ص ۱۲۴.
  ۷. دوورژه، موریس، روش‌های علوم اجتماعی، خسرو اسدی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۶ش، ص ۱۸.
  ۸. روسک، جوزف و دارن، رولند، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی، بهروز نبوی واحد کریمی، تهران، کتابخانه فروردین، ۱۳۵۵ش، ص ۳۳۳.
  ۹. دورکیم، امیل، قواعد روش جامعه‌شناسی، علی محمد کاردان، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۵ش، ص ۱۳۰.
  ۱۰. کاظم علمداری، چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت؟ (تهران: نشر توسعه، چ هفتم، ۱۳۸۱)، ج اول، همان، ص ۲۸۹.
  ۱۱. جهت آگاهی بیشتر نگاه کنید به: مطهری، مرتضی، انسان و سرنوشت، قم: صدرا، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۴، صص ۱۶ - ۲۷.
  ۱۲. سوزنجی، حسین، اصالت فرد، جامعه یا هردو (بررسی تطبیقی آرای استاد مطهری و استاد مصباح یزدی)، قبسات، سال پانزدهم، زمستان ۱۳۸۵ ش. ص ۴۳ - ۴۴.
  ۱۳. صدر سید محمدباقر، سنت‌های تاریخ در قرآن، ترجمه سید جمال الدین موسوی اصفهانی تهران، تفاهیم، چاپ سوم، ۱۳۸۱ ش به نقل از اصالت فرد یا جامعه، ص ۱۱۶، ص ۱۰۹ - ۱۱۰.
  ۱۴. سوزنجی، حسین، پیشین، ص ۱۱۷.
  ۱۵. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱۵، صدرا، تهران، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۳۲ - ۱۳۳.
  ۱۶. سوزنجی، حسین، پیشین، ص ۴۴.
  ۱۷. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار تهران، صدرا، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۴۴.
  ۱۸. «ثُمَّ أَنْتُمْ أَيُّهَا الْعِصَابَةُ! عَصَابَةٌ بِالْعِلْمِ مَشْهُورَةٌ وَ بِالْخَيْرِ مَذْكُورَةٌ وَ بِالنَّصِيحَةِ مَعْرُوفَةٌ وَ بِاللَّهِ فِي أَنْفُسِ النَّاسِ مَهَابَةٌ يَهَابُكُمْ الشَّرِيفُ وَ يَكْرُمُكُمْ الضَّعِيفُ وَ يُؤَثِّرُكُمْ مَنْ لَأَ فَضْلَ لَكُمْ عَلَيْهِ وَ لَأَ يَدَ لَكُمْ عِنْدَهُ تَشْفَعُونَ فِي الْحَوَائِجِ إِذَا امْتَنَعَتْ مِنْ طَلَابِهَا وَ تَمْشُونَ فِي الطَّرِيقِ بِهَيْبَةِ الْمُلُوكِ وَ كَرَامَةِ الْأَكَابِرِ...» (۲)
  ۱۹. «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا» (انبیاء: ۷۳)
  ۲۰. «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ» (قصص: ۴۱)
  ۲۱. خاتمی، سید احمد، رسالت خواص، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۷۸ش، ص ۱۳.
  ۲۲. «وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَأَ يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَ لَأَ يَسْتَقْدِمُونَ» (اعراف: ۳۴).
  ۲۳. «كُلُّ أُمَّةٍ تَدْعِي إِلَى كِتَابِهَا» جاثیه: ۲۸.
  ۲۴. «مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ» مائده: ۶۶.
  ۲۵. علینا لقاء الاصول و علیکم التفریع



# SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

توجه: بررسی مقاله ای متون (مقدماتی)

کارگاه آنلاین  
بررسی مقابله ای متون (مقدماتی)

PROPOSAL  
پروپوزال

توجه: پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

کارگاه آنلاین  
پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

ISI  
Scopus

توجه: آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو

کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو